

Critique and Investigation of the Theory of Proportion of the Miracles with Era-Specific Conditions

Hossein Sattar  *

Assistant professor of Qur'an and Hadith Sciences,
University of Kashan, Kashan, Iran.

Zeinab Ghasri 

M.A. of Qur'an and Hadith Sciences, University
of Kashan, Kashan, Iran.

Abstract

Because the most well-known way to substantiate prophethood is through miracles, it is imperative to investigate the miracles, which is a critical category. For miracles, many features and descriptions have been provided, suggesting that a miracle is a challenging and extraordinary thing that ordinary human beings are incapable of producing the likes of which. In this connection, the difference between the apostles' miracles is a subject that involves many theories. For some Qur'anic science scholars, the miracle of every prophet has originated from his perfection and virtues of his era so that people get to know that the conduct is different from human action and that it is divine and out of human power. The advocates of this theory, who call it the "proportion of the miracle with the time conditions," refer to a narration from Imam Hadi (PBUH). This study first defines and states the idea of the proportion of the miracle with the time conditions and then produces rational and narrative reasoning to reject alleged reasons. From a narrative perspective, which is the most important reason for this subject, documented and textual critics are focused attention, though some reasons are brought to reject it.

Keywords: Miracle, Apostles, Time Conditions, Challenge.


* Corresponding Author: tadrik90@gmail.com

How to Cite: Sattar, H., Ghasri, Z. (2020). Critique and Investigation of the Theory of Proportion of the Miracles with Era-Specific Conditions, *Quarterly Journal of Seraje Monir*, 11(40), 69-96.

نقد و بررسی نظریه «تناسب معجزات با شرایط زمانه»

* حسین ستار 

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

زینب قصری 

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

چکیده

با توجه به اینکه معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین راه ثبات نبوت، معجزه است، بررسی و تحقیق پیرامون معجزات از مقوله‌های بسیار مهم است. اوصاف و مشخصات متعددی برای تشخیص معجزه از افعال مشابه بیان شده است از جمله آنکه معجزه، کاری خارق عادت و مقرون به تحدی است که بشر عادی، از آوردن مثل آن عاجز و ناتوان است. در این راستا تفاوت معجزات پیامبران از مقوله‌هایی است که پیرامون آن نظرات گوناگونی مطرح شده است. از دیدگاه برخی دانشمندان علوم قرآنی، معجزه هر پیامبری از جنس کمال و فضیلت عصر آن پیامبر بوده است تا مردم بدانند که آن عمل متفاوت از تخصص و عمل بشری است و کاری الهی و خارج از توان بشری است، باورمندان به این نظریه که از آن به "تناسب معجزه با زمانه" یاد کرده‌اند؛ بیش از هر چیز مستند خود را روایتی از امام هادی ع قرار داده‌اند. این گفتار پس از تعریف و بیان اندیشه تناسب معجزه با زمانه و بیان ادله عقلی و روایی آن؛ تلاش دارد تا دلایل ادعایی را رد نماید. در بحث روایی که مهم‌ترین دلیل این گزاره دانسته شده؛ نقد سندی و متنی مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه قرائتی دیگر نیز بر ابطال این گزاره ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: معجزه، پیامبران، شرایط زمانی؛ تحدی.

مقدمه

بحث در باب اعجاز در بین مسلمانان قدمتی به اندازه ظهور پیامبر آنان و کتاب آنان به عنوان معجزه پیامبرشان دارد. قرآن کریم از یکسو در بیان تاریخ و سرگذشت انبیا و اقوام پیشین به بیان معجزات مکرر و متعدد انبیاء پرداخته و از دیگر سو قرآن را به عنوان معجزه پیامبر خود خوانده و دعوت به تحدی/همانندآوری نموده. متکلمان؛ مفسران و دانشمندان علوم قرآنی در باب معجزه فراوان نگاشته‌اند و به تفصیل در باب تعریف و دلایل و نتایج آن سخن گفته‌اند. از این روی هم در کتب تفسیری و هم در کتب کلامی و نیز علوم قرآنی بحث اعجاز همواره مورد توجه بوده است. یکی از گزاره‌هایی که در بین متأخرین در خصوص معجزه تداول یافته "تناسب معجزه با زمانه" است. این اندیشه که در قرن ۴ با روایتی از صدوق و کلینی

۱-۱. معجزه در لغت و اصطلاح

معجزه در لغت از ماده «عجز» (= ناتوانی) و نقیض حزم (= استوارکاری/ احکام) است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۱؛ ۲۱۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۵؛ ۳۶۹) متکلمان معجزه پیامبر را به «آنچه مایه‌ی ناتوانی دشمنان در تحدی شده» دانسته و مهم‌ترین کارکرد آن را «اثبات حقانیت پیامبر» دانسته‌اند. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق: ۱؛ ۶۶۳) (فاضل مقداد، ۱۳۷۸: ۵۳)

اوصاف و مشخصات متعددی برای نشان دادن معجزه و تشخیص آن از افعال مشابه بیان شده است از جمله آنکه معجزه، کاری خارق عادت است، مطابق با دعوی (حلی، ۱۴۱۹ ق: ۴۷۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴؛ ۲۴؛ بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ ق: ۱؛ ۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱؛ ۷۰) مقرون به تحدی، (فاضل مقداد، ۱۳۷۸: ۱۴۲؛ سیوطی، ۱۳۸۲: ۲؛ ۳۶۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۴؛ ۲۴) که بشر عادی، از آوردن مثل آن عاجز و ناتوان است. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱؛ ۷۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۹). متأخرین تأکید دارند معجزه و اعجاز امری است برخلاف جریان عادی طبیعت که دخالت ماوراءالطبیعه در آن آشکار است؛ اما همچنان در دایره علیت سیر می‌کند. (مطهری، ۲۶: ۱۸۲، طباطبائی: ۲۱)

گفتنی است لفظ معجزه و مشتقات آن در این اصطلاح در قرآن نیامده^۱ و به جای آن از لفظ آیه (همانند اعراف: ۷۳)؛ برهان (قصص: ۲۸) و یا سلطان (ابراهیم/ ۱۱) و... استفاده شده است.

۲-۱. کارکرد معجزه

متکلمین بر این باورند که عقل انسانی (به تنهایی) آدمیان را به کارهای نجات بخش زندگی ابدی راهنمایی نمی کند، همان گونه که به داروهای سودمند برای سلامتی جسم راهنمایی نمی کند. پس انسان ها به انبیاء نیازمندند همان گونه که به اطباء نیازمندند. (غزالی: ۱: ۸۷) اما چگونه باید انبیاء را از مدعیان دروغین بازشناخت؟ از جمله راه های شناخت پیامبران، یکی تنصیص پیامبر پیشین بر نبوت شخص و دیگری عقل است. (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۳۵۷ تا ۳۸۲)؛ اما معروف ترین و عام ترین و درعین حال شناخته ترین راه اثبات نبوت، معجزه است. صداقت طیب با تجربه اش شناخته می شود و صداقت پیامبر با معجزه اش تأیید می شود. (غزالی: ۱: ۸۷؛ حلی: ۱۴۱۹ ق: ۴۷۴)

مخالفان انبیا گاه در برابر دعوت آنان به خدای آسمان و زمین؛ آنان را بشری چون خود اما با انگیزه و هدفی باطل برای جلوگیری از عبادت دین اجدادی دانسته و از آنان برای اثبات ادعایشان درخواست بینه ای آشکار/سلطان مبین می نمودند:

«قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» (ابراهیم/ ۱۰)

گاه در برابر همین اعجاز (اینجا قرآن) بهانه می گرفتند که چرا بر بزرگ تر این دو قوم نازل نشده «وَقَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ» (زخرف/ ۳۱) قرآن در بعض موارد برای اعجاز از بهانه گیری آن ها که ناشی از روحیه استکباری

۱. إِنْ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (انعام: ۱۳۴) هر چه به شما وعده دادند محققا خواهد آمد و شما (بر قدرت و مقدرات خدا) غالب نخواهید شد. در این آیه معجزه در معنای ناتوانی آمده نه در معنای اصطلاحی معجزه در علوم قرآنی.

مشرکان است حکایتگری می کند: «وما أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَ تَصْبِرُونَ وَ كَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا. وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُتْوًا كَبِيرًا» (فرقان؛ ۲ و ۲۱)

اما بودند کسانی که صرفاً برای شناخت صداقت و راست گویی انبیا، از آنان درخواست معجزه می کردند. اینان از پیامبر درخواست «آیه». «ما آتت إِلَّا بَشْرًا مِثْلُنَا فَأْتِ بآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (شعرا/۱۵۴)؛ یا «بینه» «حَقِيقٌ عَلَيَّ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَيَّ اللَّهُ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ. قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ. فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ.» (اعراف ۱۰۵-۱۰۷) می نمودند.

بنابراین دلیل راستی نبوت پیامبر این است که بعد از ادعای نبوت، معجزه‌ای از طرف او انجام شود. (فاضل مقداد، ۱۳۷۸: ۱۴۲)

۳-۱. ویژگی‌های معجزه

متکلمین با تکیه بر کتاب و سنت برای معجزه ویژگی‌هایی چند برشمرده‌اند از جمله: امتی که آن پیامبر از جانب خداوند به سوی آن‌ها فرستاده می‌شود، از انجام کاری مثل، شبیه و نزدیک معجزه آن پیامبر ناتوان باشند، معجزه پیامبر، به امر خداوند متعال باشد و دیگر این که در زمان تکلیف و چهارم به دنبال ادعای نبوت او باشد و پنجم خارق‌العاده باشد. (حلی، ۱۴۱۹ ق: ۴۷۵)

تحدی و عدم معارضه نیز از دیگر خصوصیات اعجاز برشمرده شده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱ : ۷۱) به این معنی که مدعی نبوت دیگران را به مقابله/تحدی و انجام نظیر آن عمل فراخوانده و دیگران یا تسلیم شوند و یا درصدد مقابله و معارضه برآیند و سرانجام مغلوب می‌شوند. (ر.ک سوره بقره، آیه ۲۳؛ اسراء، آیه ۸۸؛ سوره هود، آیه ۱۳)

آنچه بیان شده خلاصه‌ای از خصوصیات و ویژگی‌های معجزات بود، بنابر آنچه گفتیم تناسب با زمانه از ویژگی معجزات در کلام اندیشمندان و متکلمان بیان نشده است.

۲. جایگاه تناسب معجزه با زمانه

مراد از تناسب زمانه با معجزه چیست؟ مدعیان این اندیشه بر این باورند که معجزه در هر عصر و مکانی باید متناسب با نمونه بارز توانمندی و هماورد طلبی همان قوم و مردم باشد. مثلاً اگر در زمانه‌ای و بین اجتماعی پزشکی در اوج است معجزه باید متناسب با همین علم باشد. اگر سحر و چشم‌بندی و تردستی رواج و مقبولیت دارد اعجاز باید متناسب با همین سحر اما در مرتبه‌ای بالاتر باشد. اندیشمندان و متکلمین و مفسرانی بر تناسب معجزه با شرایط زمانی و مقتضیات عصری تأکید داشته به گونه‌ای که بعضی معاصرین آن را امری مسلّم و غیرقابل انکار دانسته‌اند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۸۱).

۲-۱. نمونه نظریات در باب تناسب معجزه با زمانه

قرطبی مؤلف الجامع لاحکام القرآن در قرن هفتم بر این باور بود که معجزه انبیاء به آنچه در آن زمان شهرت داشته و شناخته شده آورده می‌شده: «فإن الله سبحانه إنما جعل معجزات الأنبياء عليهم السلام بالوجه الشهير أبرع ما يكون في زمان النبي الذي أراد إظهاره، فكان السحرة في زمان موسى عليه السلام قد انتهى إلى غايته و كذلك الطب في زمن عيسى عليه السلام و الفصاحة في زمن محمد صلى الله عليه و سلم».

می‌توان رگه‌هایی از اشعار و تمایل بدین نظریه را در پیش‌تر از قرطبی هم یافت. مثلاً اسفراینی (متوفی ۴۷۱ ق) در تفسیر مشهورش تاج التراجم للاعاجم (معروف به تفسیر طاهری) بدان توجه نموده است: «... چنان که سحره فرعون از معارضه موسی علیه‌السلام عاجز بماندند و طیبیان آن رزوگار عیسی علیه‌السلام از آنچه او همی آورد عاجز بماندند و پیداشده که ایشان اندر آنچه می‌گفتند راستگوی بودند» (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۱: ۱۸). دیگرانی نیز بدین نکته تصریح نموده‌اند. فیاض لاهیجی (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۳۸۶-۳۸۵) و ایبیری (ایبیری، ۱۴۰۵ ق: ۲: ۳۲۴) از این میان نامبردارند.

تأکید بر تناسب معجزه با زمانه در بین متأخرین، نمود و بروز بیشتری دارد. بلاغی نجفی (متوفی ۱۳۵۲ ق) که او را بنیان‌گذار علم نوین کلام در نجف اشرف دانسته‌اند بر این باور بود که در دوران حضرت موسی (ع) امر رایج بین مصریان، صنعت سحر و قوانین

جاری مجرای آن بود و آنان آنچه در راستای این صنعت و خارج از قدرت بشری بود را می‌شناختند و لذا معجزه حضرت موسی(ع) انداختن عصا و مار شدن آن و سپس برگشتن عصا به حالت اولیه بود و این ساحران بودند که پی بردند کار حضرت موسی(ع) خارج از قدرت بشری است و ایمان آوردند. در عصر حضرت مسیح(ع) فلسطین و سوریه، مستعمره‌ی یونان بودند و در آنجا پزشکان بسیاری بودند و طب رواج فراوانی داشت بنابراین معجزات حضرت عیسی(ع) شفای پیسی، کور مادرزاد و آنچه خارج از علم پزشکی بود، بود و اما عرب، کسانی که دعوت اسلام با آنان آغاز شد معارفشان منحصر بود در ادب عربی و از سایر علوم و صنایع خالی بودند؛ بنابراین خارق‌العاده بودن اعمال دیگر را در نمی‌یافتند. (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ ق: ۱، ۴).

چنانکه یکی از نویسندگان متأخر در این خصوص بر این باور است که: «تأمل در معجزات پیامبران در طول سده‌های متمادی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که همه آنها در یک نکته مشترک بودند و آن تناسب و تطابقت نوع معجزه با مقتضیات علوم، فنون و خوارق عصر خود است؛ مثلاً در عصر حضرت موسی(ع) عمل و فن سحر از خوارق عادات رایج و شایع بود که متخصصان و چیره‌دستان مختلفی را در دامن خود می‌پروراند، کسانی که به آسانی می‌توانستند سحر را از غیر سحر تشخیص داده و یا سحر دیگری را ابطال کنند. در عصر عیسی(ع)، علم طب و پزشکی پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشت و پزشکان حاذقی وجود داشتند که می‌توانستند با علم طب بیماران صعب‌العلاج را درمان کنند. در عصر داوود(ع) و یوسف نیز علم موسیقی و تعبیر خواب رایج و در تکامل بود؛ اما در عصر ظهور اسلام در شبه‌جزیره‌ی عربستان علوم ادبی با شاخه‌های مختلف آن نظیر شعر و فصاحت در اوج تکامل بود. معجزه‌ی پیامبر اسلام(ص) نیز مانند معجزات پیامبران پیشین مطابق زمانه شدن. قرآن کریم یک معجزه‌ی کلامی در علوم ادبی عرب بود که تمامی چیره و زبردستان را متوجه خود کرد، به گونه‌ای که بیشتر آنان بر اعجاز بودن آن اعتراف کردند و برخی دیگر به کتمان حقیقت پرداختند و یا آن حضرت را متهم به سحر و جنون کردند.» (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۸۱)

استاد مرتضی مطهری در بیان علت اختلاف معجزات و با استناد به سؤال ابن سکیت از امام هادی (روایت مذکور در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت) می‌نویسد: هر پیغمبری معجزه‌ای که به کار می‌برده متناسب بوده با عصر و زمان خودش. (مطهری، ۲۴: ۵۱۹). آیت‌الله جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۲۴) نیز از تناسب معجزه هر پیامبری با دوران خویش سخن گفته است.

۲-۲. دلایل ادعای تناسب معجزات با زمانه

با بررسی و غور و جستجو در میان سخنان باورمندان به این گزاره؛ دلایل زیر قابل یادکرد است:

۲-۲-۱. اول: استحسان (=رویکرد) عقلی

به نظر برخی دانشمندان، معجزه هر پیامبری متناسب با علوم پیشرفته در دوران آن پیامبر است؛ برای اینکه از دیگر عملیات علمی و فنی، تشخیص داده شود. چراکه این دانشمندان متخصص آن فن‌اند که به رموز آن تخصص آشناترند و تشخیص می‌دهند که این امر معجزه است، نه عملی برگرفته از تخصص و فنون آن علم و لذا افراد عالم و دانشمند آن علم زودتر از دیگران معجزه را تصدیق می‌کنند. راه هر نوع شک و تردیدی برای افراد بی‌اطلاع و غیر آشنا و کسانی که در علوم مشابه معجزه، مهارت و تخصص ندارند، باز می‌باشد. (موسوی خویی، ۱۳۶۰: ۶۲)

فیاض لاهیجی با تقریری دیگر بر این مسئله با رویکرد عقلی تأکید دارد. از دیدگاه وی معجزه هر پیامبری از جنس کمال و فضیلت عصر آن پیامبر بوده است تا مردم بدانند که آن عمل متفاوت از آن تخصص و عمل بشری است و کاری الهی و خارج از توان بشری است. چنان‌که در زمان موسی (ع) چون ساحران بسیار بودند و علم سحر به اوج خود رسیده بود، بنابراین معجزه موسی (ع) تبدیل عصا به مار و فروبردن اسباب سحر ساحران، شبیه بود به سحر ساحران و چون ساحران در کمال مهارت در علم ساحری بودند، فهمیدند که عمل موسی شبیه به سحر است اما سحر و کاری بشری نیست، پس به سجده افتادند و

ایمان آوردند. معجزه حضرت عیسی(ع) که زنده کردن مردگان، شفای کور مادرزاد و پیسی بود، کاملاً در آن زمان بودند و دانستند که کار پزشکی برطرف کردن بیماری و بازگرداندن سلامتی است، نه شفای کور مادرزاد و پیسی و بازگرداندن زندگی به مردگان. در زمان داود نیز علم موسیقی بود؛ بنابراین معجزه‌ی او تلاوت زبور بود به آهنگی که از استماع آن وحوش و طیور، مدهوش و مغشی می‌افتادند. (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۳۸۶-۳۸۵)

بدین نظر فخر رازی در ذیل آیه «وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ» رأی داده:

مراد از آن، بیان تفاوت درجات و مراتب پیامبران است. چراکه خداوند، ابراهیم(ع) را خلیل خویش و به کسی این فضیلت را نداده و برای داوود(ع) پادشاهی و نبوت را جمع کرد و برای سلیمان(ع) انس و جن و پرندگان و بادها را مسخرش نمود و حضرت محمد(ص) را برای جن و انس مبعوث کرد و شریعتی ناسخ همه شرایع دیگر؛ اما در معجزاتشان نیز وجهی است، هر پیامبری معجزه‌ای متفاوت از دیگری آورده پس معجزات حضرت موسی(ع) شبیه آنچه در آن عصر و زمان بود از جنس سحر بود. معجزات حضرت عیسی(ع)، شفا دادن کور مادرزاد و پیسی و زنده کردن مردگان، شبیه آنچه در آن زمان بود و آن طب بود؛ اما معجزه حضرت محمد(ص) از جنس بلاغت، فصاحت، خطب و اشعار بود. همچنین معجزات متفاوت هستند در قلت و کثرت، بقا و عدم بقا، قوه و عدم قوه. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ق: ۶: ۵۲۸)

استاد عبدالله جوادی آملی نیز بر این باور است که: معجزه در هر عصر از پیشرفته‌ترین رتبه‌های علمی آن زمان است چون مدعی نبوت با ارائه معجزه، تحدی و مبارزه طلبی می‌کند، بنابراین انگیزه همه به منظور مقابله با او تحریک می‌شود و این متخصصان صاحب نظرند که می‌توانند با تدبیر در همه جوانب امر و استمداد از برخی مبادی تجربی در رشته مورد تخصص خویش، به‌خوبی از راه حدس دریابند که آنچه مدعی نبوت آورده است، گرچه ظاهراً شبیه بعضی از کارهای غیرعادی متخصصان در این زمینه است، اما با تأمل کافی چنین نتیجه می‌دهد که اعجاز نبی هرگز از سنخ کار متخصصان نیست تا آنان یا

دیگران به انتظار پیشرفت رشته تخصصی در آینده دور یا نزدیک، بتوانند همانند کار او را انجام دهند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

البته مدافعان این نظریه باید بدین سؤال پاسخ دهند: که آیا معجزه انبیاء برای اقناع عالمان و متخصصان و صاحبان فن در میدان اعجاز بوده و مردمان با تقلید از نظر همین متخصصان از معجزه به عنوان دلیل حقانیت استفاده نموده‌اند یا مخاطب معجزه تمامی مردم و توده‌های عالم و غیر عالم بوده است؟ ظاهر قرآن مؤیدی بر رویکرد دوم است. از دیگر سو اگر رسالت و یا نبوتی داعیه خاتمیت داشته باشد باید اعجاز آن نیز بر فرض صحت این ادعا متناسب با همه اعصار و ازمه و همه انسان‌ها باشد.

۲-۲-۲. تکیه بر روایت (نه روایات)

در تناسب معجزات با زمانه، تنها یک حدیث و آن هم حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل شده است و چه بسا جرقه‌ی اندیشه نظریه مورد بحث از همین حدیث آغاز شده است:

«حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ السَّيَّارِيُّ عَنْ أَبِي يَعْقُوبَ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ: قَالَ ابْنُ السَّكِّيتِ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) لِمَا ذَا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (ع) بِالْعَصَا وَ يَدِهِ الْبَيْضَاءِ وَ آلَةِ السَّحْرِ وَ بَعَثَ عِيسَى (ع) بِالطَّبِّ وَ بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) بِالْكَلامِ وَ الْخُطْبِ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ (ع) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَا بَعَثَ مُوسَى (ع) كَانَ الْأَغْلَبُ عَلَى أَهْلِ عَصْرِهِ السَّحْرَ فَاتَّاهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِي وَسْعِهِمْ مِثْلَهُ وَ بِمَا أَبْطَلَ بِهِ سِحْرَهُمْ وَ أَثْبَتَ بِهِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ عِيسَى (ع) فِي وَقْتٍ قَدْ ظَهَرَتْ فِيهِ الزَّمَانَاتُ وَ اِحْتِاجَ النَّاسِ إِلَى الطَّبِّ فَاتَّاهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُمْ مِثْلَهُ وَ بِمَا أَحْيَا لَهُمُ الْمَوْتَى وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَثْبَتَ بِهِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) فِي وَقْتٍ كَانَ الْأَغْلَبُ عَلَى أَهْلِ عَصْرِهِ الْخُطْبَ وَ الْكَلَامَ وَ أَظُنُّ قَالَ وَ الشُّعْرَ فَاتَّاهُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَوَاعِظِهِ وَ أَحْكَامِهِ مَا أَبْطَلَ بِهِ قَوْلَهُمْ وَ أَثْبَتَ بِهِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ ابْنُ السَّكِّيتِ تَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَكَ الْيَوْمَ قَطُّ فَمَا الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ الْيَوْمَ فَقَالَ (ع) الْعَقْلُ يُعْرِفُ بِهِ الصَّادِقَ عَلَى اللَّهِ فَيَصْدُقُهُ وَ الْكَاذِبَ عَلَى اللَّهِ فَيَكْذِبُهُ فَقَالَ ابْنُ السَّكِّيتِ هَذَا

وَاللَّهُ الْجَوَابُ». (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲: ۸۰ و با اندکی اختلاف؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱: ۵۴-۵۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ۲: ۴۳۲-۴۳۳)

ابی یعقوب بغدادی می‌گوید: ابن سکیت به حضرت رضا(ع) عرض کرد: چرا حق تعالی موسی(ع) را به عصا، ید بیضا و اسباب سحر مبعوث فرمود و عیسی(ع) را به طب و محمد(ص) را به کلام فصیح مبعوث کرد. حضرت رضا(ع) فرمودند: وقتی که خداوند متعال موسی(ع) را به پیامبری مبعوث کرد، اغلب افعال اهل زمان او ساحری و جادوگری بود. پس از نزد خدا چیزی برای ایشان آورد که مثل آن، نزد ایشان نبود و سحر آنان را باطل می‌کرد و حجت را بر آنان ثابت می‌کرد؛ و عیسی را در وقتی به پیامبری برانگیخت که آفات زیاد بود و مردم نیازمند به طب بودند، پس عیسی(ع) از نزد خدا چیزی برای ایشان آورد که مثل آن نزد آنان نبود و نمی‌توانستند مانند آن را بیاورند، چراکه معجزه آن حضرت زنده کردن مرده و شفای کور مادرزاد و پیسی به اذن خداوند متعال بود و به این سبب حجت بر ایشان اثبات فرمود. حق تعالی محمد(ص) را در زمانی مبعوث گردانید که اغلب افعال اهل عصر او خطب و سخنوری بود و گمانم آن است که فرمود شعر بود. پس محمد(ص) از برای ایشان از کتاب خدا و مواعظ و احکام آورد و قول آنان را باطل کرد و حجت را بر آنان اثبات فرمود. ابن سکیت عرض کرد: به خدا سوگند که هرگز مثل تویی در این زمانه ندیدم. پس حجت بر خلق امروز چیست؟ حضرت رضا(ع) فرمودند: عقل که به آن می‌شناسی کسی را که نسبت به خدا راست می‌گوید پس تصدیقش می‌کنی و نیز می‌شناسی آن کس را که نسبت به خدا دروغ می‌گوید، پس تکذیبش می‌کنی. ابن سکیت عرض کرد: به خدا سوگند که همین جواب است.

تا آنجا که جستجو شد این سخن کهن‌ترین بیان و تقریر در اصل تناسب معجزه با

زمانه است.

۱-۲-۲. نقد سندی حدیث

هرچند در سلسله سند این حدیث افرادی ثقه همچون حسین بن محمد بن عامر^۱ و ابو یعقوب بغدادی^۲ و ابن سکیت وجود دارند^۳ اما وجود افرادی مجهول و غیر ثقه و گاه وضاع از اعتبار سندی این حدیث کاسته است.

جعفر بن محمد بن مسرور هرچند از مشایخ صدوق است اما دلالتی بر وثاقت وی وجود ندارد. (موسوی خویی، ۱۴۰۹ ق: ۴: ۱۲۰)

سیاری نامبردارترین فرد در این بین است. أبو عبدالله سیاری (احمد بن محمد بن سیار)؛ از بزرگان ظاهریه، در زمان امام حسن عسکری (ع) بوده است. (کشی، ۱۳۶۳: ۲: ۸۶۵) در رجال طوسی نام وی هم در أصحاب أبي الحسن الثالث علی بن محمد (ع) (=امام هادی (ع)) و هم در بین اصحاب أبي محمد الحسن بن علی بن محمد بن علی الرضا (ع) (=امام حسن عسکری (ع)) آمده است. (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۸۳ و ۳۹۷)

تصریحات رجالیون در تضعیف و عدم توثیق او مجالی برای اطمینان بدو برجای نمی گذارد. او را ضعیف الحدیث، فاسد المذهب، مجفو الروایه، کثیر المراسیل دانسته و به اعراض امامیه از روایات او توجه داده اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۰: حلی، ۱۴۱۱ ق: ۲۰۳؛ ابن داود: ۱۳۴۲: ۴۲۳؛ عسقلانی، ۱۴۰۶ ق: ۱: ۲۵۱) وی از غالیانی است که خود را از اصحاب امام هادی (ع) قلمداد می کرد. (موسوی خویی: ۱۴۰۹ ق: ۲۱: ۲۲۷) کتاب القراءات او از مصادر اصلی روایاتی است که در تحریف قرآن توسط برخی از افراد نادان به آن استدلال

۱. از مشایخ کلینی است. (موسوی خویی، ۱۴۰۹ ق: ۶: ۷۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۶)

۲. او را به ثقه و صدوق در علم رجال توصیف نموده اند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ش، ص ۴۵۰) یعقوب از «اصحاب امام رضا (ع)» بود (حلی، ۱۴۱۱ ق: ۱۸۶) احمد بن محمد سیاری نیز از او روایت می کند. (موسوی خویی، ۱۴۰۹ ق: ۲۲: ۸۹)

۳. یعقوب بن اسحاق سکیت (۱۸۶-۲۴۴ هـ) (زر کلی، بی تا: ۹: ۲۵۵)

او را ثقه دانسته اند. در علم و زبان عربی آثار و کتب بسیاری دارد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۹ و ابن داود، ۱۳۴۲: ۳۷۹) داستان شهادت او در راه دوستی با اهل بیت در کتب تاریخ مشهور است. (بنگرید به موسوی خویی، ۱۴۰۹ ق:

شده است. (جعفریان، ۱۳۸۱: ۵۲۷)^۱

علامه عسکری می‌نویسد: «اکثر روایاتی که شیخ نوری نقل کرده، از کتاب قرائات سیاری است. او به اهل بیت: افترا زد و روایات را دسّ و جعل نمود و اسنادی برای آنها می‌ساخت و به اهل بیت: نسبت می‌داد. محدثین، روایات او را نقل و وارد کتب احادیث مکتب اهل بیت: نمودند و محدثینی مثل شیخ نوری در اثبات تحریف قرآن به روایات استشهاد کرده‌اند.» (عسکری، ۳: ۲۴۸-۲۵۳)

نکته قابل ذکر دیگر آن است که در اکثر موارد نام امام رضا(ع) به عنوان گوینده حدیث در کتب آمده است. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲: ۸۰)، مگر در کافی که ابی الحسن تنها آمده و جالب است که در ترجمه‌هایی که بر کافی نوشته‌اند برخی حدیث را از امام رضا(ع) و حتی برخی از امام کاظم(ع) دانسته‌اند؛ اما محققان متأخر بر این باورند که حدیث از امام هادی(ع) است و ابن سکیت زمان امام هشتم(ع) را درک نکرده است. بنابراین استناد سخن به آن امام(ع) صحیح نیست. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱: ۵۴ پاورقی)^۲

فرجام سخن آنکه مشهور بین علما این است که حدیث را از احادیث امام رضا(ع)

۱. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به مقاله «غلات و اندیشه تحریف قرآن» نگارش محمدحسن احمدی

۲. دلایل مذکور چنین است:

دلیل اول: صدوق در عیون اخبار الرضا و علل الشرایع با لفظ: «أبی الحسن الرضا(ع)». آورده ولی قید رضا زائد است، چرا که ابن السکیت همان یعقوب بن إسحاق السکیت، نحوی معروف است که در رجال نجاشی آمده که "کان متقدماً عند أبی جعفر الثانی و أبی الحسن علیهما السلام ... و قتله المتوکل لأجل التشیع" و ظاهر "ابی الحسن" در کلام نجاشی، "أبو الحسن الثالث علی بن محمد الهادی(ع)" است و این تأیید می‌کند که اولاً ابن سکیت متوفی ۲۴۴ بعید است که "مولانا أبو الحسن الرضا(ع)" که در سال ۲۰۳ رحلت نمودند را درک کرده باشد و روایت از ایشان نقل کند. (فیستبعد جلداً إدراک ابن السکیت إیّاه علیه السلام)

دلیل دوم: در أمالی طوسی، ص ۵۸۰، المجلس ۲۴، ح ۱۲۰۲ و ۱۲۰۳، یعقوب بن السکیت النحوی از ابی الحسن علی بن محمد بن الرضا(ع) روایت کرده است.

دلیل سوم: در مناقب آل ابی طالب از ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۴؛ از او می‌گوید: «و قال المتوکل لابن السکیت: اسأل ابن الرضا(ع) مسألة عوصاء بحضرتی، فسأله، فقال: لم بعث الله موسى(ع) بالعصا؟» سپس مضمون خبر را با تفصیل نقل می‌کند. در پایان به این نتیجه می‌رسد که منظور از "أبی الحسن" در این سند همان "أبو الحسن الثالث(ع)" است. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱: ۵۵ پاورقی)

می‌دانند و با قبول این که ابن سکیت از اصحاب امام هادی(ع) است، صدور این روایت از امام رضا(ع) غیرممکن و غیرقابل قبول است؛ اما اگر حدیث را از امام هادی(ع) بدانیم و ابن سکیت آن را از حضرت امام هادی(ع) نقل کرده باشد؛ ابویعقوب بغدادی که راوی بعد از ابن سکیت است، از اصحاب امام رضا(ع) و راوی امام جواد(ع) یاد شده و بر این اساس او در زمان امامان قبل از امام هادی(ع) و قبل از ابن سکیت بوده نه بعد از او که راوی حدیث از او باشد. پس در این صورت نیز ضعفی دیگر بر سند حدیث عارض می‌شود. از این رو تتبع در اوصاف راویان در کتب رجالی ما را به اعراض از روایت دعوت می‌کند و سند آن را دارای اعتبار کافی نمی‌داند.

۲-۲-۲. نقد متنی

آنچه از ظاهر حدیث می‌فهمیم این است که حضرت موسی(ع) در زمانی به پیامبری برانگیخته شد که سحر رواج داشت و معجزه آن حضرت نیز متناسب با همان سحر بود و در زمان حضرت عیسی(ع)، مردم نیاز به طب داشتند و معجزه آن حضرت نیز با نیاز آن مردم هماهنگ بود و در زمان حضرت محمد(ص) نیز شعر و سخنوری رواج داشت از این جهت معجزه ایشان قرآن بود؛ اما در همین حدیث دو دیدگاه در بحث تناسب وجود دارد:

- ۱- تناسب با شرایط زمانی: در مورد حضرت موسی(ع) و محمد(ص) به تناسب در آنچه در آن زمان رواج داشته اشاره شده است
- ۲- تناسب با نیاز زمانی: اما در مورد حضرت عیسی(ع) به تناسب با نیاز مردم آن زمان اشاره شده است.

نویسندگان و متفکران نیز در برداشت‌هایی و سخنانی هم که در این مورد داشته‌اند، گاه بر تناسب معجزه با نیاز مردم و در بیشتر موارد تناسب با آنچه در آن زمان رایج بوده اشاره شده است. مثلاً آیت‌الله خویی معتقدند که: «در زمان حضرت عیسی(ع) طب یونانی به اوج عظمت خود رسیده بود و اطبا معجزه‌های حیرت‌انگیزی را انجام می‌دادند، مخصوصاً در سوریه و فلسطین که از مستعمره‌های یونان بودند علم طب از رواج و رونق

نقد و بررسی نظریه «تناسب معجزات با شرایط زمانه»؛ ستار و قصری | ۸۳

خاصی برخوردار بود.» (موسوی خویی، ۱۳۶۰: ۶۲) همچنین از نظر قراملکی، علم طب و پزشکی در عصر حضرت عیسی (ع) پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشت. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۸۱)

اما دیگران دلیل معجزات طبی عیسی (ع) را نه توسعه و پیشرفت پزشکی که رواج بیماری در بین مردم و نیاز به درمان آن می‌دانند. احمد بهشتی در مقاله خود در ذیل این حدیث می‌نویسد: "در زمان حضرت عیسی (ع) مشکل عمده مردم بیماری‌های مزمن بود و هر کس این‌گونه امراض را درمان می‌کرد، در جان و دل مردم نفوذ می‌کرد و مردم به عظمت او پی می‌بردند و کارهای خارق‌العاده‌اش مورد توجه قرار می‌گرفت و مردم به او ایمان می‌آوردند." (بهشتی، ۱۳۸۳: ۱۷۳ تا ۱۸۶) و از نظر آیت‌الله معرفت نیز پزشکان ماهر از منطقه پیامبری حضرت عیسی (ع)، دور بودند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۸۳) متن حدیث نیز دال بر نیاز مردم زمان حضرت عیسی (ع) به پزشکی دارد.

بنابراین در این زمینه دو دیدگاه مختلف وجود دارد اگرچه شواهد بیشتر، گواه بر نیاز مردم زمان حضرت عیسی (ع) به پزشکی می‌باشد تا اوج و رشد پزشکی در آن زمان. اگر این چنین باشد، این دلیل عقلی که تناسب معجزه با تخصص رایج زمان خودش بوده، برای این‌که دانایان آن فن، معجزه را درک کنند و ایمان آورند، پابرجا نمی‌ماند.

آیت‌الله معرفت «ضرورت تطابق و تناسب معجزات با خوارق زمانه را مورد تردید قرار داده‌اند و برای تأیید مدعای خویش به خلق شتر حضرت صالح (ع) از کوه و دور بودن منطقه سکناى اطباى حاذق در عصر حضرت عیسی (ع) از منطقه رسالت آن حضرت استشهد کرده‌اند.» ایشان به معجزه حضرت صالح (ع) اشاره نموده‌اند که تناسبی با زمانه نداشته و مهم‌تر این‌که منطقه پزشکان در دوران حضرت عیسی (ع) را نیز دور از منطقه رسالت آن حضرت دانسته‌اند و تناسب را از اساس رد نموده‌اند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۸۳).

۳. شواهد و دلایلی دیگر در نظریه تناسب

علاوه بر آنچه آمد دلایل و قرائن دیگری وجود دارد که از انضمام آن به یکدیگر،

استوانه‌های نظریه تناسب بیش از پیش متزلزل می‌شود. از جمله:

۱-۳. تناسب در معجزه نه معجزات

حتی اگر هم تناسب را قبول کنیم طبق آنچه آمده این تناسب فقط در معجزه مشهور پیامبران، قابل قبول است. همان گونه که رسول‌الله(ص) معجزی غیر از قرآن، نیز داشته‌اند و هم عیسی(ع) غیر از شفای بیماران و هم موسی(ع)، غیر از سحر معجزاتی دیگر داشته‌اند. گوشه‌ای از این معجزات در قرآن کریم و بسیاری دیگر از آن در روایات ذکر شده است. از جمله معجزات غیر از سحر حضرت موسی(ع)، در قرآن کریم: نورانی شدن دست حضرت، (قصص ۳۲/۳۱؛ اعراف ۱۰۸/۱۰۷؛ نمل ۱۲/۱۰) شکافته شدن نیل (شعراء/۶۳)؛ غیر از طبابت حضرت عیسی(ع) : سخن گفتن با مردم، در گاهواره، (۱۱۰ مائده) از گل پرنده ساختن، (۱۱۰ مائده؛ ۴۹ آل عمران) خبر دادن از اسرار نهانی مردم (مثلاً از غذاهایی که اشخاص خورده‌اند یا آنچه ذخیره کرده‌اند دقیقاً خبر می‌داد). (۴۹ آل عمران) و غیر از قرآن حضرت محمد(ص) : شق القمر (۱ قمر) - معراج (۱ اسرا) قابل یادکرد است.

معجزات پیامبر ما حضرت محمد(ص)، دو نوع است: اول: قرآن، قرآنی که پیش روی ماست و انکارش غیرممکن است. (راوندی: بی تا: ۶) و دوم: معجزات فراوان دیگری همچون؛ جوشیدن آب از بین انگشتان آن حضرت، (حلی، ۱۴۱۹ ق: ۴۸۰؛ غزالی، ۱: ۸۸؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۸: ۱۴۳) انشقاق قمر، تسبیح سنگریزه، سخن گفتن جانوران بی زبان (ابوحامد غزالی: ۱: ۸۸؛ فاضل مقداد: ۱۳۷۸: ۱۴۳) سیر کردن افرادی بسیار با غذایی کم، خبر دادن از امور غیبی، مستجاب شدن دعای او (فاضل مقداد، ۱۳۷۸: ۱۴۳) این معجزات پیامبر اکرم(ص) فراوان است و از هزار مورد نیز بیشتر است. (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۳۸۸؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۸: ۱۴۳)

البته برترین و والاترین معجزات پیامبر(ص)، کتاب عزیزی است که باطل در آن راه نمی‌یابد، کهنه نمی‌شود و تاریکی‌ها مگر به وسیله‌ی آن روشن نمی‌گردد؛ (فاضل مقداد، ۱۳۷۸: ۱۴۳) قرآن عظیمی که هیچ کس توان معارضه با آن را ندارد.

بنابراین حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی(ع) و حضرت محمد(ص) که در روایات و نظرات مختلف تنها از یک معجزه آن‌ها در باب تناسب با زمانه یاد شده است، طبق آیات

نقد و بررسی نظریه «تناسب معجزات با شرایط زمانه»؛ ستار و قصری | ۸۵

شریفه معجزات دیگری نیز داشته‌اند و هیچ فردی تناسب با زمانه را در مورد دیگر معجزات آن بزرگواران ذکر نکرده است^۱ و این خود گواه و شاهدی است بر این که تناسب عام و فراگیر بر همه معجزات نیست.

۲-۳. تناسب در سه پیامبر نه همه انبیاء

این تناسب در همه موارد نه تنها فقط به این چند معجزه که فقط به این چند پیامبر اشاره شده است؛ و اگرچه به صورت عام در باب همه انبیا مطرح می‌شود، اما مثال‌ها و نمونه‌ها فقط در خصوص انبیای سه‌گانه موسی (ع) و عیسی (ع) و رسول‌الله (ص) است و فقط به سحر موسوی (ع) و طبابت عیسوی (ع) و بلاغت رسول‌الله (ص) مثال زده شده است. آیا این تناسب در مورد سایر انبیاء نبوده و یا قاعده‌ای در باب اولوالعزم بوده؟ در مورد کدام پیامبر، به جز سه پیامبر یادشده می‌توان نمونه‌هایی با تکیه بر قرآن و حتی روایات در تناسب با زمانه پیدا نمود؟

از دیگر سو چنان که در علم الدرایه آمده است: یکی از دلایل در نقد یک حدیث مخالفت آن با واقعیات تاریخی است. ادعای تناسب معجزه با زمانه با واقعیت و گزارش‌های تاریخی همخوانی ندارد.^۲

در حدیث مربوط به تناسب معجزه با زمانه نیز فقط چند معجزه مطرح شده است و

۱. بنگرید به ضمیمه شماره یک.

۲. برای مثال در من لایحضره الفقیه در باب الصوم چند حدیث آمده است با این مضمون که ماه رمضان کمتر از سی روز نمی‌شود:

- فی روایة محمد بن سنان عن خدیفة بن منصور عن أبي عبد الله (ع) قال: شهر رمضان ثلاثون يوماً لا ينقص أبداً.
- و فی روایة خدیفة بن منصور عن معاذ بن کثیر و یقال له معاذ بن مسلم الهراء عن أبي عبد الله (ع) قال: شهر رمضان ثلاثون يوماً لا ينقصُ و الله أبداً

- و سأل أبو بصیر أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزَّ وَّ جَلَّ و لیتکملوا العدة قال ثلاثین يوماً
روی عن یاسر الخادم قال: قلت للرضا (ع) هل یكون شهر رمضان تسعة و عشرين يوماً؟ فقال: إنَّ شهرَ رمضان لا یُنقصُ من ثلاثین يوماً أبداً. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ۲: ۱۶۹-۱۷۱)

غلط بودن این احادیث، بر عالم و عامی آشکار است و به تحقیق در اسناد آن‌ها نیاز نیست. (حسینی طباطبائی:

اگر بخواهیم تناسب را عام و فراگیر در نظر بگیریم، موارد بسیاری مخالف با این حدیث وجود دارد. در مورد معجزات پیامبران دیگر و معجزات دیگر همان پیامبران (حضرت موسی(ع)، عیسی(ع)، محمد(ص)) چنین تناسبی وجود ندارد و این خود می‌تواند گواهی بر رد حدیث مذکور باشد.

آیا بیرون آمدن شتر از کوه (هود/۶۴، اعراف/۷۳) در زمان حضرت صالح(ع) رواج داشته یا هم‌آواز گردیدن پرندگان با داوود(ع) (۱۰ سبا؛ انبیا ۸۰/۷۹) یا شق القمر در زمان رسول‌الله(ص)!!؟

۳-۳. جاودانه بودن رسالت پیامبر اکرم(ص)؛ قرینه‌ای مضاعف در رد نظریه تناسب

نبوت و پیامبری حضرت محمد(ص) تا روز قیامت نسخ نمی‌شود. (قرطبی: ۱۳۶۴: ۱: ۷۰؛ سیوطی، ۱۳۸۲: ۲: ۳۶۷) و این شریعت بر صفحه‌های روزگار جاودان است و تا صبح قیامت باقی، بنابراین به این شریعت، معجزه‌ی عقلی جاودانی اختصاص یافته است تا صاحبان بصیرت آن را ببینند. (سیوطی، ۱۳۸۲: ۲: ۳۶۷) و خداوند سبحان معجزه پیامبر اکرم(ص) را «باقیه الی آخر الدهر» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۶: ۵۲۳) و به قولی دیگر مستمر تا دامنه قیامت قرار داده است. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱: ۷۰؛ سیوطی، ۱۳۸۲: ۲: ۳۶۷) درحالی که معجزه پیامبران دیگر فانی و دارای زمان انقضا هستند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱: ۷۰؛ سیوطی، ۱۳۸۲: ۲: ۳۶۷؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۶: ۵۲۳) بنابراین نبوت پیامبر اکرم(ص) برای همه‌ی زمان‌های بعد از آن حضرت است. اگر تناسب با زمانه از خصوصیات معجزه است این نکته در بلاغت رسول‌الله(ص)، چندان مناسب نیست، چراکه دعوت ایشان جهانی است و ابدی، اما تبحر و آشنایی مخاطبان در ادوار بعد متناسب با اعجاز بیانی قرآن نیست.

۳-۴. معجزات مشترک انبیاء؛ شاهی دیگر بر رد نظریه تناسب

از سویی دیگر در بین رسولان الهی معجزات مشترکی مشاهده می‌شود که با توجه به وجود شرایط متفاوت زمانی و مکانی نمی‌تواند گواه بر گزاره ادعایی تناسب معجزه با زمانه باشد.

نمونه‌ای از این معجزات مشابه در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. پیامبران و معجزات

پیامبران	معجزه
موسی(ع) - محمد(ص)	جوشیدن دوازده چشمه ^۱
عیسی(ع) - محمد(ص)	شفا دادن دردمندان از مرضشان ^۲
عیسی(ع) - محمد(ص)	شفا دادن کور ^۳
عیسی(ع) - حزقیل(ع) - محمد(ص)	زنده کردن مرده ^۴
سلیمان(ع) - محمد(ص)	صحبت کردن با حیوانات، پرندگان ^۵
عیسی(ع) - محمد(ص)	خبر دادن از اسرار نهانی مردم ^۶

اگر معجزات با زمانه تناسب داشته‌اند پس باید پیامبرانی که معجزه‌ای شبیه معجزه، پیامبر دیگر دارند، تشابه زمانی نیز داشته باشند یعنی یا در یک زمان یا در زمان‌هایی که از نظر تناسب با معجزه، اشتراکاتی دارند، باشند. عدم این تشابه می‌تواند نشانه‌ی رد نظریه تناسب معجزات با زمانه باشد.

۴. دلایل تفاوت معجزات

«به‌هر حال جای این پرسش باز است که راز این تفاوت‌ها چیست؟ آیا قلمرو شریعت‌ها و خصوصیات هر یک باعث این تفاوت‌ها بوده است؟ یا موقعیت و توان معنوی و روحانی آورندگان معجزات؟ و یا مقتضای عصر و فنون رایج روزگار و میزان فهم و درک مخاطبان؟ هر چه هست، با توجه به آن که قدرت اعجاز را خداوند به‌عنوان آیت تأییدکننده به همراه برگزیدگان خویش قرار داده است و با یادآوری این که هیچ فعلی از خداوند

۱. فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۱۱۳؛ راوندی، ۱۳۷۸: ش: ۱۴۴؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۱: ۴۸۲.

۲. راوندی، ۱۳۷۸: ش: ۱۴۴؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۱: ۴۹۸.

۳. راوندی، ۱۳۷۸: ۱۴۴ و ۳۷۳؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۱: ۴۹۹.

۴. ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱، ص ۱۶۰.

۵. ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱: ۱۶۰.

۶. طبرسی، ۱۳۸۱: ۱، ۵۰۱.

به گزاف و بی حکمت انجام نمی‌گیرد، باید ورای این تفاوت‌ها حکمتی نهفته را جستجو نمود. آنچه مسلم است آن است که خدای حکیم، معجزات انبیا را مناسب با شعاع دعوت آنان و به گونه‌ای قرار داده است که هر کدام از آنها در شرایط ویژه و مخاطبان آن پیامبر، اثر لازم برای معرفی حقیقت از باطل و اتمام حجت را داشته باشد.» (سعیدی روشن، ۱۳۷۹:

(۱۰۵)

درواقع می‌توان گفت گزینش نوع معجزه، از حکمت تناسب معجزات، با شرایع ناشی می‌شود. رسالت پیامبران پیشین ویژه‌ی روزگار معین و یا جامعه‌ای محدود بوده، معجزه‌های آنان نیز ویژه زمان محدود و مقتضای نیاز همان قوم و مخاطبان است. (همان).

بلاغی نیز در آلاء الرحمن در مورد علل تفاوت معجزات، علت‌های مختلفی همچون اختلاف مردم در خُلق و خُلُق و دانش آنان بیان می‌کند. (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ ق: ۱: ۴) علامه حلی در باب حادی عشر، اختلاف معجزات را مبتنی بر اختلاف در نبوت و شریعت دانسته:

«چون مصالح مردم به حسب اختلاف روزگار و مردم اختلاف می‌یابد، مانند بیماری که احوال او در (چگونگی) معالجه و به کاربردن داروها به حسب اختلاف مزاج او در حالات گوناگون بیماری مختلف می‌شود به نحوی که زمانی او را به چیزی معالجه می‌کنند که معالجه‌ی او بدان در وقت دیگر ناممکن می‌شود، نبوت و شریعت نیز به حسب اختلاف مصالح خلق در روزگارانشان و اشخاصشان مختلف می‌گردد.» (فاضل مقداد، ۱۳۷۸: ۱۴۲) شهید مطهری نیز تفاوت معجزات را ناشی از تفاوت و استعداد انبیاء دانسته است. از دید وی معجزه، فعل همان شخصی است که آن را انجام می‌دهد و نیرو و قدرت اوست که این کار را انجام می‌دهد؛ یعنی خداوند این قدرت را به یک انسان داده است و آن انسان است که چنین کاری را می‌کند. پس درواقع معجزه برمی‌گردد به استعدادهای انسانی که یک انسان می‌رسد به پایه‌ای که چنین کاری را می‌تواند انجام بدهد. به‌طورکلی در انسان یک قوه‌ای وجود دارد که تا اندازه‌ای قوه‌ی خرق عادت باشد، البته خود آن‌هم قانونی دارد ولی برخلاف قانون مادی این جهان. (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۵۹)

بنابراین تفاوت معجزات، ناشی از تفاوت خود پیامبران و تفاوت نفوس ایشان است.

برآیند

تفاوت در معجزات پیامبران موضوعی قابل تأمل بوده است و با گذشت زمان در برخی کتب علوم قرآنی وارد شده است و در این راستا حدیثی با این موضوع نیز مورد استناد است که تفاوت معجزات را ناشی از تفاوت زمانها و مکانها می‌داند و راز این تفاوت را تناسب با زمانه برای فهم معجزه بیان می‌کند.

از جمله دلایل تناسب معجزه با زمانه را این گونه مطرح نموده‌اند: که مردم بفهمند کار پیامبر از جنس کار آنها نیست و معجزه و خارق‌العاده بودن آن عمل را دریابند؛ بنابراین قبول تناسب معجزه با زمانه برای فهم مردم، در واقع اعتراف به این است که معجزات برای افراد و گروه خاصی قابل فهم و درک بود است. این سخن، با عام بودن معجزات و عمومیت مخاطبان انبیاء همخوانی ندارد.

در یک نگاه کلی ادعای تناسب معجزات با زمانه به دلایل زیر مقبول نیست:

- ۱- عدم دلیل بر این ادعا در کتاب الهی.
- ۲- دلیل روایی آن مردود است چراکه بررسی سندی حدیث، این نکته را ثابت کرد که حدیث از صحت سندی کافی برخوردار نیست. نقد متنی حدیث نیز بر کاستی‌های آن می‌افزاید.
- ۳- چنین ادعایی با واقعیت تاریخی مخالف است.

ضمیمه پاپانی؛ جدول تناسب معجزات با زمانه
در اینجا معجزات برخی از پیامبران را از آیات کلام خدای عزوجل، قرآن استخراج نموده‌ایم.

جدول ۲. معجزات برخی از پیامبران

نام پیامبر	معجزه
موسی(ع)	اژدها شدن عصا - نورانی شدن دست حضرت - (قصص ۳۲/۳۱؛ اعراف ۱۰۸/۱۰۷؛ نمل ۱۲/۱۰) شکافته شدن نیل (شعراء/۶۳)

نام پیامبر	معجزه
صالح(ع)	بیرون آمدن شتر از کوه (هود/۶۴، اعراف/۷۳)
داوود(ع)	هم‌آواز گردیدن پرندگان با داوود و ذکر و تسبیح خداوند همراه ایشان، نرم شدن آهن در دست داوود و زره ساختن او (۱۰ سبا؛ انبیا/۷۹)
سلیمان(ع)	مسخر ساختن باد برای حضرت سلیمان و روان ساختن چشمه مس (مذاب) و تسخیر گروه عظیمی از جن (۱۲ سبا) حکومت سلیمان بر جن و پرندگان (نمل/۱۷) درک کلام مورچگان و گفتگوی با هدهد (نمل/۱۸)
عیسی(ع)	سخن گفتن با مردم، در گاهواره، (۱۱۰ مائده) از گل پرنده ساختن، درمان بیماری‌های صعب‌العلاج یا غیرقابل علاج (بهبود بخشیدن کور مادرزاد و مبتلا به برص (پیشی) زنده کردن مردگان به فرمان خدا، (۱۱۰ مائده؛ ۴۹ آل عمران) خبر دادن از اسرار نهانی مردم (مثلاً از غذاهایی که اشخاص خورده‌اند یا آنچه ذخیره کرده‌اند دقیقاً خبر می‌داد). (۴۹ آل عمران)
محمد(ص)	شق القمر (۱ قمر) - معراج (۱ اسرا) - قرآن کریم و معجزات دیگر

ORCID

Hossein Sattar

Zeinab Ghasri



<http://orcid.org/0000-0002-5501-5686>



<http://orcid.org/0000-0003-4617-5060>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ ش)، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران، نشر جهان.

_____ (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دارصادر.

ایبیری، ابراهیم. (۱۴۰۵ ق)، *موسوعه‌القرآنیه*، بی جا، قاهره، مؤسسه سجل العرب. اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر. (۱۳۷۵ ش)، *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم*، تحقیق نجیب مایل هروی-علی اکبر الهی خراسانی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. بلاغی نجفی، محمدجواد. (۱۴۲۰ ق)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، قم، بنیاد بعثت. بهشتی، احمد. (۱۳۸۳). مقاله دیدگاه امام رضا درباره معجزه و شرایط متغیر زمان، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ ش، *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۷۶.

پرچم، اعظم. (۱۳۸۲ ش)، *بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین*، چاپ اول، اصفهان، کنکاش.

جعفریان، رسول. (۱۳۸۱ ش)، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، چاپ ششم، قم، انتشارات انصاریان.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶ ش)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم "قرآن در قرآن"*، چاپ ششم، قم، نشر اسرا.

حسینی طباطبائی، مصطفی. (بی تا). *بررسی روایات ساختگی*، نقد کتب حدیث، نسخه اینترنتی از سایت:

<https://www.kotobdigital.com>

حلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف. (۱۴۱۹ ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تحقیق حسن زاد آملی، چاپ هشتم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

حلی، حسن بن علی بن داود. (۱۳۴۲ ش)، *رجال ابن داود*، تصحیح محمدصادق بحر العلوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

خوئی، ابوالقاسم. (۱۳۶۰ ش)، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه محمدصادق نجمی و هاشم هریسی، بی جا، قم، مجمع ذخایر اسلامی.

زرکلی، خیرالدین. (بی تا). الاعلام، چاپ سوم، بی جا.
سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۷۹ ش)، معجزه شناسی، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه اسلامی.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۳۸۲ ش)، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه مهدی حائری قزوینی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیر کبیر.

طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۲ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان (بیروت)، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات

طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق)، الاجتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق محمدباقر خراسان، چاپ اول، مشهد، نشر مرتضی.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمدحسینی، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳ ش)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

عسقلانی، احمدبن علی بن حجر. (۱۴۰۶ ق)، لسان المیزان، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۳۷۸ ش)، متن و ترجمه باب الحادی عشر از علامه حلی، با ترجمه علی اصغر حلبی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اساطیر.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۶۶ ش)، روضه الواعظین، ترجمه مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران، نشر نی.

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمدبن عمر. (۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق)، العین، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.

فیاض لاهیجی، عبدالرزاق بن علی. (۱۳۸۳ ش)، گوهر مراد، چاپ اول، تهران، نشر سایه.

نقد و بررسی نظریه «تناسب معجزات با شرایط زمانه»؛ ستار و قصری | ۹۳

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ ق)، قاموس المحيط، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون

قدردان قراملکی، محمد حسن. (۱۳۸۱ ش)، معجزه در قلمرو عقل و دین، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ ش)، الجامع لاحکام القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله. (بی تا). الخرایج و الجرایج، تصحیح اسدالله ربانی، بی چا، قم، انتشارات مصطفوی.

کشی، محمد بن عمر. (۱۳۶۳ ش)، رجال الکشی - اختیار معرفه الرجال، تحقیق مهدی رجایی، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۲۹). الکافی، چاپ اول، قم، دارالحديث.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

محرمی، غلام حسین. (۱۳۷۸ ش)، جلوه‌های اعجاز معصومین، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامی. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۲۴ و ۲۶.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰ ش)، نبوت، چاپ هفتم، قم، انتشارات صدرا.

موسوی خویی، ابوالقاسم. (۱۴۰۹ ق)، معجم رجال الحدیث، چاپ چهارم، بیروت، الزهراء.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ ش)، رجال نجاشی، چاپ ششم، قم، موسسه نشر اسلامی.

References

The Holy Quran

Abiari, Ibrahim. (1984), Al-Qur'an Encyclopedia, Bicha, Cairo, Sajal al-Arab Institute. [in Arabic]

Asklani, Ahmad bin Ali bin Hajar. (1985), Lasan al-Mizan, 3rd edition, Beirut, Al-Alami Institute for Press. [in Arabic]

Askari, Al-Qur'an al-Karim and hadiths of al-Madrasteen. [in Arabic]

Balaghi Najafi, Mohammad Javad. (1999), Al-Rahman Fi Tafsir al-Qur'an, first edition, Qom, Ba'ath Foundation. [in Arabic]

Beheshti, Ahmad. (2004). Essay on Imam Reza's view on miracles and changing conditions of time, autumn and winter 2013, articles and reviews, book 76. [in Persian]

- Esfraini, Abul Muzafar Shahfur bin Taher. (1996), Taj al-Tarajam fi Tafsir al-Qur'an L'Ajam, research by Najib Mayel Heravi-Ali Akbar Elahi Khorasani, first edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications. [in Arabic]
- Fazil Moqdad, Moqdad bin Abdullah. (1999), the text and translation of the eleventh chapter of Allameh Hali, translated by Ali Asghar Halabi, third edition, Tehran, Asatir Publications.
- Fatal Nishabouri, Mohammad bin Ahmad. (1987), Al-Waezin University, translated by Mahdavi Damghani, first edition, Tehran, Ni publication.
- Fakhr al-Din Razi, Abu Abd Allah Muhammad bin Umar. (1029), Mufatih al-Ghaib, third edition, Beirut, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi. [in Arabic]
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1989), Al-Ain, second edition, Qom, Hijrat Publications.
- Fayaz Lahiji, Abdul Razzaq bin Ali. (2004), Gohar Murad, first edition, Tehran, Sayeh publishing house.
- Firouzabadi, Muhammad bin Yaqub. (1994), Qamoos al-Ashaq, first edition, Beirut, Dar al-Katb al-Elamiya, Muhammad Ali Beyzoon's pamphlets. [in Arabic]
- Ghoramalki, Mohammad Hasan. (2002), Miracles in the realm of reason and religion, first edition, Qom, Bostan Kitab.
- Hali, Jamal al-Din Hasan bin Yusuf. (1998), Kashf al-Murad fi Sharh Tajrid al-Itqad, Hassanzad Amoli's research, 8th edition, Qom, Islamic Publication Institute.
- Hali, Hassan bin Ali bin Dawud. (1963), Rizal Ibn Dawud, edited by Mohammad Sadiq Bahr al-Uloom, first edition, Tehran, Tehran University Press.
- Hosseini Tabatabai, Mustafa. (Beta). Review of fabricated narrations, criticism of hadith books, online version of the site: <https://www.kotobdigital.com>
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali. (1999), Ayoun Akhbar al-Reza, Mehdi Lajurdi's research, first edition, Tehran, Jahan Publishing House. [in Arabic]
- _____. (1992), Man La Yahdrah al-Faqih, research by Ali Akbar Ghafari, second edition, Qom, Islamic Publications Office. [in Arabic]
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (1993), Lasan al-Arab, research by Jamal al-Din Mirdamadi, third edition, Beirut, Dar Sader. [in Arabic]

- Jafarian, Rasool. (2002), Intellectual and Political Life of Shia Imams, 6th edition, Qom, Ansarian Publications. [in Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah. (2007), thematic interpretation of the Holy Qur'an "Quran in the Qur'an", 6th edition, Qom, Nashrasara. [in Persian]
- Khoi, Abulqasem. (1981), Saying in the sciences and general problems of the Qur'an, translated by Mohammad Sadegh Najmi and Hashem Harisi, Bicha, Qom, Islamic Repositories.
- Kashi, Muhammad bin Omar. (1984), Rijal al-Kashi-Ikhtiyar Marafah al-Rijal, Mahdi Rajaei's research, first edition, Qom, Al-Bayt Institute.
- Kelini, Muhammad bin Yaqub bin Ishaq. (2008). Kafi, first edition, Qom, Dar al-Hadith.
- Majlesi, Mohammad Bagharbin Mohammad Taqi. (1982), Bihar al-Anwar, second edition, Beirut, Dar Ahyaya al-Tarath al-Arabi. [in Arabic]
- Moharrami, Gholam-Hosseini. (1999), The Miracles of the Innocents, second edition, Qom, Islamic Publications. [in Persian]
- Motahari, Morteza, collection of works vol. 24 and 26. [in Persian]
- Motahari, Morteza. (2001), Prophecy, 7th edition, Qom, Sadra Publications. [in Persian]
- Mousavi Khoei, Abulqasem. (1988), Ma'jam Rijal al-Hadith, 4th edition, Beirut, Al-Zahra. [in Arabic]
- Najashi, Ahmad bin Ali. (1986), Rizal Najashi, 6th edition, Qom, Islamic Publishing Institute.
- Parcham, Azam. (2003), a comparative study of the issues of revelation and prophecy from the perspective of the Qur'an and the Testaments, first edition, Isfahan, Konkash. [in Persian]
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad. (1985), Al-Jame Lahkam Al-Qur'an, first edition, Tehran, Nasser Khosro Publications.
- Qutbuddin Ravandi, Saeed bin Hebatullah. (Beta). Al-Kharaij and Al-Jaraij, edited by Asadullah Rabbani, Bi Cha, Qom, Mostafavi Publications.
- Saidi Roshan, Mohammad Bagher. (2000), Miracle Science, first edition, Tehran, Cultural Institute of Islamic Knowledge and Thought.
- Siyuti, Jalaluddin Abdul Rahman. (2003), Al-Itqan fi Uloom al-Qur'an, translated by Mehdi Haeri Qazvini, 4th edition, Tehran, Amir Kabir Publishing House.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (1981), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Lebanon (Beirut), Al-Alami Publishing House. [in Arabic]
- Tabarsi, Ahmad bin Ali. (1982), Al-Hitjaj Ali Ahl al-Jajj, researched by Mohammad Baqer Khorsan, first edition, Mashhad, Morteza Publishing House.

- Tarihi, Fakhreddin. (1996), *Majma Al-Baharin*, researched by Seyed Ahmad Hosseini, third edition, Tehran, Mortazavi bookstore.
- Tousi, Muhammad bin Hasan. (1994), *Rizal al-Tosi*, research by Javad Qayyomi Isfahani, third edition, Qom, Islamic Publishing House.
- Zarkali, Khairuddin. (Beta). *Al-Alam*, third edition, no place.



استناد به این مقاله: ستار، حسین، قصری، زینب. (۱۳۹۹). نقد و بررسی نظریه «تناسب معجزات با شرایط زمانه»، فصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۱(۴۰)، ۶۹-۹۶.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.45576.1619



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.